

در دعاها بر این بصیرت جمع ملک تبارت ماموم است و سکوت ماموم  
دعا قلبی و تقطیع است که در ضمن طلب عطا است و در رکعت اول ماموم را کوفتن  
آمین که خدا هر دعاست ظاهر امر صریح و بالجان ادب کرده اند آنها بر این  
در اول وقت و آنها را آن است تا گفتن آمین را لیکن این گفتن و اول  
مغایب است زیرا که همین وقت گفتن آمین را از اوقات احوال است  
بعضی برای آنکه این وقت قوی است که ماموم است و ملائکه که حاضر  
در اوقات صلوات در انتظار ارض شرفا و غیر ما درین وقت آمین میگویند  
پس از این معلوم میشود که شرح و تفسیر کرده است آن وقت را در حق هر وقت  
بزمان نماز کلام قوم و این اعتقادین برابر جمع و توفیق است میان احوال  
نفسه مرفوعه که صحبت یافته است مبادت آن احوال را از غیر احوال علمیه  
چنانکه همان کلام آنرا در غیر این موضع ای در مقام خود و لفظ صحیح بر آن  
احراز است از احوال درین ضعیف و اقوال موقوفه بکلام گفتن التی صحیح است  
پس قول جمعی مفعول است و در است که حال باشد ای حال کونه مجموعا به احوال  
کونه جامعاً مخففاً مانده که مخففاً مصراع آنها را آن است که تا این است از این  
و اصل است معارض است حدیث صحیح مسلم را که در آن ای ان تقضی الصلوة  
و حدیث حسن ترمذی را که در آن ای الا لفرافقه مناسبت که گویند که گویند  
والد اعقاب لیساً فخص آن هر دو حدیث است و همین تخیص حاصل است  
جمع میان آن احوال یا بعد از آنست که نظر آن ساعت شریف در جمیع  
القدر است که مبدء است عا الحقا و در است و در شهادت تمام سال او اعلی است  
حصولش منزه رمضان است خصوصاً عشره اخیره عا المفضول او امان عشره

واعلی

واعلی وقوع لیل القدر در شب است و هفتیم است عذرا و در جمیع احوال و صلوات  
و صلوات و در است یکم یا است و سوم است نزد امام شافعی و در است هفتم  
نزد امام مالک و هفتم است حرمه روز جمعه نیز مهم است و در است در اول  
مختلفه عا حسب الاقوال که در وقوع حصولش در اغلب اوقات موافق حدیث صحیح  
مسلم است و موافق قول عبد البر بن سلام است که در جمیع احوال است و کلامی آنست  
در سایر اوقات موافق اقوال دیگر نیز حاصل است و همین جمیع صحیح است و مطابق  
سبع است و موافق طبع میان جمع احوال صحیح و اقوال صحیح و اول ظاهر است قول  
و قال السنودی لک کفنه است امام نووی ع در شرح مسلم قول صحیح است و امام  
از عیضه ملک معتمد حدیث است که غیر آن غیر ازین است که ثابت است  
در صحیح مسلم از حدیث ابو موسی اشعری که گفته است ابو موسی رضی الله عنهما  
لقد مرخو و کرمیکفنت بشیئا ام از رسول خدا که منفرود در آن ساعت  
جمعه که در آن ساعت از نشستن امام است بر زمین برای خطبه یا آنکه او کرده بود  
ما زخمی را در احوال کرده است این حدیث را مسلم قول کرده مسلم صحیح است  
که گویند حدیث موسی از افراد مسلم است و حدیث ابو هریره بران اتفاق جاری  
و مسلم است در اصول حدیث معارضه که حدیث متفق علیه اصح است از غیر  
کجا در اول و در جاری اصح است از افراد مسلم است حدیث ابو موسی صحیح  
معتمد علیه باشد از حدیث ابو هریره رضی الله عنهما که این صحبت مذکور در مطلق است  
ملک معتمد است بوقوع کردن حدیث متفق علیه حدیث بخار از حدیث آن احوال  
باشد که جمعا حدیث بران اتفاق مذکور باشد و در اول حدیث ابو هریره  
از حدیث آن احوال باشد پس حدیثی که از قول مذکور امام نووی که حد